

تأملاتی در تاریخ شفاهی و مروری بر نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران

مرتضی رسولی پور

تاریخ شفاهی در مفهوم جدید آن، به عنوان یک علم با ماهیتی میان‌رشته‌ای، به‌خصوص در سه دهه گذشته، همواره مورد توجه و تأکید محافل دانشگاهی سراسر جهان قرار گرفته است. شاید بتوان دلیل اصلی این توجه را در ارتباط تنگاتنگی دانست که تاریخ شفاهی به نحو بارزی با مباحث مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و تاریخ (به ویژه تاریخهای محلی) برقرار کرده است. اما در مورد ایران، این موضوع به عنوان یکی از روشهای مجموعه‌سازی جمع‌آوری اطلاعات پدیده متأخرتری است. از یک سو، وقوع انقلاب اسلامی و مهاجرت صدها تن از مقامات حکومت پیشین به غرب فرصتی استثنایی برای جمع‌آوری اطلاعات تاریخی در داخل و خارج از کشور فراهم آورد؛ و از سوی دیگر، برآمدن تئوریهایی بود که، ضمن ارائه زمینه گسترده‌تر برای تحقیقات کیفی، موضوع پرداختن به تاریخ شفاهی را به صورت امری جدی درآورد. رونق و شکوفایی این شیوه در عرصه‌های مختلف پژوهش به ویژه تحقیقات تاریخی، هر چند با اهداف گوناگون از سوی نهادهای متعدد در داخل و خارج کشور همراه است، بیش از هر چیز، از میزان علاقه و شیفتگی عموم نسبت به کاوش و آگاهی هرچه بیشتر از آنچه در دوره گذشته رخ داده، ریشه می‌گیرد.

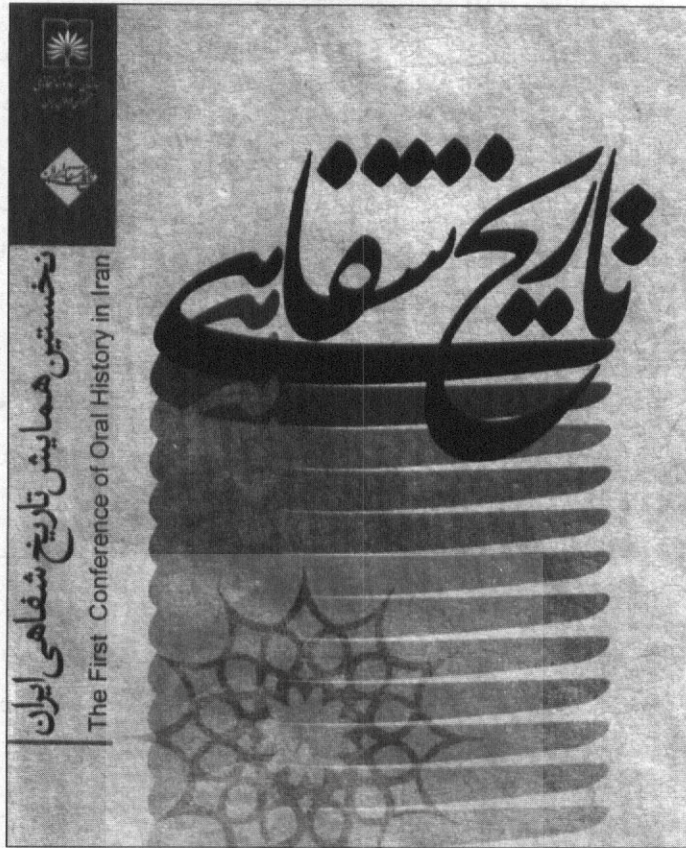
بی‌گمان، انقلاب اسلامی تأثیر قاطعی بر پژوهشهای تاریخی گذاشته؛ اما نباید نادیده انگاشت که برخی از آثار منتشر شده در خارج نیز بر پژوهشهای داخلی اثرگذار بوده است.

به هر روی، از سالها پیش لزوم برگزاری یک گردهمایی به منظور بررسی ابعاد مختلف تاریخ شفاهی، در محافل علمی و اسنادی کشور احساس می‌شد. برگزاری دو

گردهمایی و کارگاه آموزش تاریخ شفاهی از سوی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان در اردیبهشت و آذر ۱۳۸۳ اقدامی پیش‌زمینه اما جدی در این راه بود، به طوری که زمینه را برای برگزاری همایشی در ابعاد گسترده‌تر فراهم ساخت. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به منظور ایجاد فضایی مناسب برای بحث و گفت‌وگو بین صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران دربارهٔ مباحث نظری و عملی مرتبط با این موضوع و همچنین نزدیک کردن استانداردهای اجرایی، با همکاری برخی از سازمانها و مؤسسات از جمله: آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، موزه پزشکی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی در ۱۶ اسفند ۱۳۸۵ اقدام به برگزاری نخستین گردهمایی تاریخ شفاهی ایران نمود. در این گردهمایی یک‌روزه، شورای علمی پس از بررسی بیش از ۴۰ مقاله، که از سوی پژوهشگران ایرانی داخل و خارج کشور ارسال شده بود، ۱۶ مقاله را برای ارائه در جلسات صبح و بعدازظهر انتخاب کرد. از آنجا که مقالات منتخب در یک جمع‌بندی کلی دارای چند محور و ویژگی بودند، از این رو برای هر محور میزگردی تشکیل گردید.

در میزگرد نخست، که ریاست آن را دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی (معاون سازمان اسناد ملی و دبیر علمی همایش) به عهده داشت، سخنرانان مبانی نظری تاریخ شفاهی و روشهای آن را مورد بررسی قرار دادند. اولین سخنران دکتر نادر امیری در سخنرانی خود تحت عنوان «حافظه جمعی، روایت و تاریخ شفاهی»، ضمن اشاره به اهمیت چارچوبهای اجتماعی و رویه‌های گفتمانی در شکل‌گیری حافظه، درهم تنیدگی ذهنی با تاریخ و فرهنگ را مورد تأکید قرار داد و افزود: بر این اساس قواعد جداکننده بین آنچه که به طور سنتی حافظه فردی خوانده می‌شود و آنچه که حافظه جمعی - اجتماعی یا تاریخی اطلاق می‌شود، رنگ باخته و حافظهٔ جمعی در قالب روایتها ظاهر شده و شکل می‌گیرد، به طوری که این قالبها بر مبنای رویکردی «روایت‌گرایانه» نه تنها فهرستی از رخدادها بلکه تبیین‌کنندهٔ رویدادها خواهند بود. رویکرد روایت‌گرا ناظر به تمامی تبیینها و تفسیرهای ما از جهان اجتماعی است؛ اما آنچه مورد نظر است نقطهٔ اتصال سازوکارهای حافظه جمعی با تمهیدات روایتی است و حافظه جمعی به مثابه پدیده‌ای در نظر گرفته می‌شود و حاملان و بازگوکنندگان آن را حمل می‌کنند و باز می‌گویند که به عنوان گذشتهٔ جمعی احساس می‌شود.

دکتر امیری، در بخش دیگری از سخنرانی خود افزود: روایت در تاریخ شفاهی مفهوم همبسته و ملازم با حافظهٔ جمعی است و بدین جهت از یک سو تمامی



ساز و کارهای تعین‌بخش، و به عبارتی محدودکننده، حافظه جمعی را در دل خود دارد و از سوی دیگر امکانات و ظرفیتهای جدی را برای گسترش و تعمیق بینش تاریخ‌گرایانه به روی ما می‌گشاید.

دومین سخنران دکتر حمید عبداللهیان، دانشیار گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بود. وی در سخنرانی خود، با عنوان «لزوم جابه‌جایی در موضعگیری معرفت‌شناختی جامعه‌شناسی تاریخ شفاهی»، ضمن برشمردن دلایل استفاده از مفهوم جامعه‌شناسی تاریخی نوین در روش‌شناسی تاریخ از جمله تاریخ شفاهی، یادآور شد که جامعه‌شناسی تاریخی در حال تبدیل شدن به رشته‌ای است که هم از جنبه منظر نظری و هم از منظر روش‌شناسی با جامعه‌شناسی و سنت آن و همچنین با رشته آکادمیک تاریخ متفاوت است. بر این اساس لازم است موضعگیری معرفت‌شناسانه این رشته نوین به گونه‌ای دگرگون شود که پژوهندگان جامعه‌شناسی از

یک سو و محققان تاریخ و تاریخ شفاهی از سوی دیگر قادر به مطالعه موضوعاتی شوند که پژوهشهای مستقل جامعه‌شناسی و تاریخ با آن مواجه شده‌اند. یکی از مهم‌ترین مشکلات در سنت درست‌پنداری دستگاه نظری و روش‌شناختی جامعه‌شناسی و تاریخ همانا برخورد روش‌شناسانه اثبات‌گرایانه با داده‌های تاریخی و تاریخ شفاهی بوده است که به تشتت در تفسیر وقایع تاریخی مشابه انجامیده است. به عنوان مثال، تفسیر تاریخ توسعه‌نیافتگی ایران یکی از این تفاسیر است که به فراخور نگاه مارکسیستی، تاریخنگارانه و جامعه‌شناسی رسمی تفاوت داشته است. از دیگر مشکلات یاد شده می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد: موضوع مدرک و شاهد^۱ در مقابل واقعیت^۲ تاریخی، مفهوم واقعیت^۳ (عینیت در مقابل ذهنیت)، مفهوم علم و عقلانیت‌های متکثر، معایب و کمبودهای تبیین کلی^۴، مفهوم کمک و مشارکت علمی، مفهوم میان‌ذهنیت^۵ علمی و نظایر آن.

دکتر عبداللهیان یادآور شد که پیش از پرداختن به پژوهشهایی از این دست، باید تغییری در موضع معرفت‌شناسانه در جامعه‌شناسی تاریخ شفاهی در چارچوب اصول جامعه‌شناسی تاریخی نوین صورت گیرد. سخنران، در پایان، با معرفی و بهره‌گیری از رویکرد روش‌شناسانه ترکیبی هیدن وایت و رویکرد روش‌شناسی و ارتباطی روایت‌شناسی تیلی و مجادلات راجر تریگ، روش‌شناسی کیفی روایت‌شناسی را برای حل مشکل داده‌های تاریخ شفاهی و تفسیر آنها ارائه کرد و به دفاع از آن پرداخت.

سخنران بعدی حمیده غفوری کارشناس مدیریت اسناد ملی یزد، در موضوع «روشها و چهارچوبهای مصاحبه به منظور گردآوری تاریخ شفاهی»، سخنان خود را آغاز کرد و گفت: مصاحبه رابطه‌ای است چهره به چهره و کلامی که برای گردآوری اطلاعات و به منظور شناخت ویژگیهای افراد صورت می‌گیرد. هدف در مصاحبه الزامی است و مصاحبه در هر موقعیت و برای هر مقصود ملزم به داشتن هدف می‌باشد؛ چنانچه مصاحبه بدون هدف صورت گیرد، نه تنها نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد بلکه به گفت‌وگویی دوستانه و غیرحرفه‌ای تغییر می‌یابد. وی ضمن برشمردن نکاتی که مصاحبه‌کننده قبل از شروع مصاحبه باید به آنها توجه کند، در مورد رعایت جنبه‌های فنی مصاحبه، مکان مصاحبه، یادداشت‌برداری، روش و زبان ارتباط، جهت دادن به مصاحبه و نحوه پایان دادن به مصاحبه مطالبی بیان کرد.

1. evidence.

2. fact.

3. reality.

4. universal.

5. intersubjectivity.

غلامرضا درکتانیاں کارشناس بررسی و برنامه‌ریزی اسناد و مدارک سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران آخرین سخنران این میزگرد بود که در مورد نقش مصاحبه‌کننده در شبرد اهداف تاریخ شفاهی گفت:

نقش مصاحبه‌کننده مانند مورخ است. اگر مورخ منابع مکتوب را تنظیم کرده و به حلیل داده می‌پردازد مصاحبه‌کننده، در صورتی که شنونده منفعل نباشد و در موضوع صاحب‌به خوبی تحقیق کرده باشد و در موارد ضروری به کمک گوینده بیاید، می‌تواند ر روشنگری موضوعات مختلف حضور جدی داشته باشد و پرتوافکنی نماید. صاحب‌کننده نقش واسط بین گوینده و شنونده را ایفا می‌کند و بیشتر توجه او معطوف به وند موضوع گفت‌وگو و مراعات حال شنونده و گوینده است. مصاحبه‌کننده سند اریخی به وجود نمی‌آورد بلکه تاریخ را در جریان گفت‌وگو محقق می‌سازد.

درکتانیاں، ضمن بیان تجارب خود در زمینه جمع‌آوری تاریخ انقلاب اسلامی و صاحب‌با گروه مبارز شهید سبحانی در دزفول و همچنین مصاحبه با متولیان و مؤسسان جمعیت‌های خیریه تبریز، تأکید کرد که اجرای هر طرح تاریخ شفاهی بدون پشتوانه مطالعاتی و پژوهش در آن زمینه و توجه به اسناد تاریخی عملی نخواهد شد.

پس از پایان سخنرانی‌های میزگرد نخست، شرکت‌کنندگان گردهمایی از غرفه‌های مختلف نمایشگاه تاریخ شفاهی، که به همت و ابتکار سازمان اسناد ملی و مؤسسات سنادی دیگر ترتیب یافته بود، بازدید کردند. در این نمایشگاه تعدادی از مؤسسات و راکز اسنادی ایران، که در گردهمایی شرکت کرده بودند، بخشهایی از فعالیت مربوط به اریخ شفاهی خود را در قالب عکس، فیلم و کتاب در معرض دید بازدیدکنندگان قرار ادند که مورد توجه عموم شرکت‌کنندگان گردهمایی قرار گرفت.

در میزگرد دوم، که به ریاست دکتر مرتضی نورایی استادیار گروه تاریخ دانشگاه صفهان برگزار شد، سخنرانان جایگاه و نقش دانشگاهها را در شناخت تاریخ شفاهی ورد بررسی قرار دادند.

ابوالفضل حسن‌آبادی کارشناس تاریخ شفاهی مرکز اسناد آستان قدس رضوی در گفتار خود، ضمن مروری بر وضعیت تاریخ شفاهی در دانشگاههای مطرح دنیا، سی‌توجهی دانشگاههای ایران در جمع‌آوری و سازماندهی منابع اطلاعاتی تاریخ شفاهی، مقاومت نسبت به پذیرش ایده‌های جدید و نبود ارتباط میان مراکز دانشگاهی با رشیوهای تاریخ شفاهی را موجب ناشناخته ماندن اهمیت این روش و به عنوان مانع اصلی گسترش آن دانست.



وی، با یادآوری این نکته که در کشورهای اروپایی و آمریکایی سه گروه در دانشگاه‌ها عهده‌دار گسترش تاریخ شفاهی و نگهداری از آن هستند (گروه‌های تاریخ، کتابخانه‌های مرکزی و مراکزی که دانشگاه‌ها مستقلاً به همین منظور به وجود آورده‌اند)، نقش دانشگاه‌ها را گسترش تاریخ شفاهی در چهار محور آموزش، جمع‌آوری منابع شفاهی، سازماندهی و حفظ اطلاعات شفاهی و به عهده گرفتن نقش رهبری مراکزی که در این زمینه به فعالیت می‌پردازند دانست؛ و در پایان پیشنهاد کرد که تعیین مرجعی مسئول در دانشگاه‌ها برای شکل دادن به فعالیتهای مستندسازی تاریخ، با اولویت تاریخ شفاهی، و همچنین ایجاد دو واحد درسی (یک واحد نظری و یک واحد عملی) برای دروس تاریخ معاصر می‌تواند بخشی از مشکلات مربوط به کمبودهای این حوزه را برطرف کند.

سخنران بعدی خانم نسیم خلیلی دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه الزهرا به نقش تاریخ شفاهی در تاریخنگاری پرداخت و گفت:

تاریخ شفاهی، گرچه از یک روزنه و با تکیه بر ادبیات شفاهی با ریشه‌هایی در دل تاریخ باستان از یک سو و خاطره‌نگاری که در دهه‌های اخیر رونق چشمگیر یافته از دیگر سو، پیشینه‌ای به بلندای تاریخ دارد، اما در مفهوم راستین خود، یکی از پیامدهای نوگرایی در حوزه تاریخ و تاریخ‌باوری است. به باور سخنران، تاریخ شفاهی را می‌توان یکی از روزنه‌های به روند گذار از تاریخ‌نگاری سنتی به سوی تاریخ‌نگاری نوین دانست. در سایه چنین نگرشی تاریخ از تصاحب گروهی و فردی در امان نگهداشته می‌شود و پیکره نخستین خود را همان‌گونه که بوده بازمی‌نمایاند.

خانم زهرا طلایی پژوهشگر مرکز آستان قدس رضوی سخنران بعدی بود که موضوع استفاده از منابع تاریخ شفاهی را در تدوین تاریخ‌نگاری معاصر ایران مورد بررسی قرار داد، و ضمن بررسی تعدادی از کتابها و آثار منتشر شده از سوی سازمانها و مراکز اسنادی و مراکز انتشاراتی مستقل در داخل و خارج از کشور، میزان بهره‌برداری و استفاده نویسندگان داخل کشور از آرشیو شفاهی مؤسسات پژوهشی داخل را در مقایسه با نویسندگان ایرانی خارج از کشور ناچیز خواند و برای این بی‌رغبتی دلایلی برشمرد؛ از جمله دولتی بودن آرشیوهای شفاهی داخلی و تبعیت از سیاستهای حکومت، تک‌بعدی بودن مصاحبه‌ها و انحصاری کردن مصاحبه‌ها، مبتدی بودن مصاحبه‌کنندگان، هدفمند نبودن مصاحبه‌ها در پاره‌ای از موارد و ارائه نامناسب این آرشیوها به علاقه‌مندان و... صرف‌نظر از موضوع خوب این مقاله، طبیعی می‌نمود که جمعی از صاحب‌نظران شرکت‌کننده در گردهمایی بخشی از نتیجه‌گیریهای سخنران را



مطابق واقع نداند؛ به طوری که یکی از اعضای هیئت رئیسه میزگرد به تفصیل توضیحاتی در نقد و تکمیل اظهارات سخنران ارائه کرد.

آخرین سخنران این میزگرد دکتر محمدحسن رازنهان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم در موضوع «تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاهها» به بحث پرداخت و اظهار داشت بیش از نیم قرن از آموزش تاریخ در دانشگاههای ایران می‌گذرد و به طور مسلم، در این مدت، این رشته آموزشی با تحولات مختلفی روبه‌رو بوده است. مواجهه دست‌اندرکاران آموزشی تاریخ با موضوعاتی که به ماهیت، ساختار و جریانهای بیرونی و درونی این حوزه معرفتی بازمی‌گردد می‌تواند دستمایه یک مطالعه قرار گیرد. جایگاه امروزی رشته تاریخ در میان سایر رشته‌ها و مناسبات آن با سایر رشته‌های علوم انسانی مانند ادبیات، جغرافیا، جامعه‌شناسی و علوم تجربی الزاماتی را به تاریخ و پیشینه این رشته تحمیل کرده که، در قالب تدوین تاریخ شفاهی، به بخشی از آن می‌توان دست یافت. وی ضرورت‌های تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ را بر اساس هفت ضرورت توضیح داد:

۱. تاریخ تاریخ یا تاریخ مورخان: محقق امروز نه تنها در دستیابی به زندگی و پیشینه مورخان گذشته با تنگناهای بسیاری روبه‌روست بلکه از تاریخ و سرگذشت مورخان حاضر نیز اطلاع چندانی ندارد. با تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ می‌توان به بخشی از این مهم دست یافت.

۲. تاریخ شفاهی ابزاری برای برنامه‌ریزی: به نظر می‌رسد تدوین تاریخ شفاهی، با تکیه بر جمع‌آوری اطلاعات در مورد نیازهای برنامه‌ریزان، می‌تواند در ارائه برنامه‌ها و سرفصلهای مناسب کمک مؤثری نماید. گزارشهای شفاهی مدرسان و اعضای هیئت علمی تاریخ و پیشکسوتان، منبع بسیار مناسبی جهت اتخاذ تصمیم مناسب در مورد عناوین درسی در سطوح مختلف رشته تاریخ است.

۳. تاریخ شفاهی و شناخت چهره‌های علمی از طریق بیان و گفتار و اینکه چه مسیر طولانی و صعبی را طی کرده‌اند، مسیر علمی دانشجویان جوان را در پیمودن راه دشوار تحلیل تاریخ هموارتر می‌سازد و به تقویت انگیزه آنان می‌انجامد.

۴. تاریخ شفاهی به عنوان شاخه‌ای جدید از تاریخ: امروزه صدها انجمن تاریخ دائر است و صدها پروژه مطالعات تاریخ شفاهی در دانشگاههای معتبر جهان در حال اجراست. این انجمنها، که اغلب به گروههای تاریخ وابسته‌اند، اولویتهای نخستین خود را به تاریخ شفاهی آموزش اختصاص داده‌اند. تداول این امر در سایر مراکز علمی، ضرورت پرداختن به آن را در برابر ما قرار می‌دهد.



۵. تاریخ شفاهی بخشی از آموزش عالی در ایران: آموزش عالی در ایران به مرز صدسالگی خود نزدیک می‌شود. جهت برنامه‌ریزی تدوین تاریخ این حوزه از فعالیتهای انسانی، مانند سایر حوزه‌ها، باید اقدام کرد. نگارش این تاریخ بدون تاریخ شفاهی آموزش عالی امری ناقص و ناتمام است.

۶. چالشهای تاریخ و مورخان: از میان رشته‌های مختلف دانشگاهی، رشته تاریخ با چالشهای سیاسی بیشتری روبه‌روست؛ و جریانهای سیاسی قبل و بعد از انقلاب هیچ‌یک از رشته‌های دانشگاهی را تا این حد تحت تأثیر قرار نداده است. تاریخ شفاهی آنچه را بر تاریخ و مورخان گذشته، آشکار می‌کند و آگاهیهای لازم را در برابر چالشهای پیش رو در اختیار می‌نهد.

۷. تاریخ شفاهی و تألیف کتاب و منابع درسی: آموزش تاریخ، بدون معرفی منابع و کتابهای درسی، مشکل است. در معرفی منابع، میان مدرسان عناوین درسی توافق چندانی وجود ندارد. شرح این اختلاف‌نظرها و دلیل اهمیت هر منبع را باید از زبان مؤلفان شنید که اجرای آن بخشی دیگر از دستاوردهای تاریخ شفاهی است. بدین ترتیب، تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ، به‌رغم مشکلات احتمالی آن، می‌تواند آغازی برای نو کردن شیوه‌های برنامه‌های درسی و ایجاد شاخه تاریخ شفاهی در دانشگاههای کشور باشد.

پس از اقامه نماز ظهر و صرف ناهار، میزگرد سوم با عنوان «تاریخ شفاهی و جنگ تحمیلی» آغاز شد. اداره میزگرد برعهده نگارنده این سطور (مرتضی رسولی‌پور) بود که البته از حجت‌الاسلام دکتر ابوالفضل شکوری، عضو هیئت علمی گردهمایی و همچنین سردار سرتیپ احمد سوداگر ریاست پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس دعوت کرد تا در اداره جلسه مشارکت داشته باشند.

محمد رضا بختیاری فوق‌لیسانس تاریخ و دبیر، به عنوان نخستین سخنران این میزگرد، در گفتار خود، موضوع اهمیت پرداختن به تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی عراق با ایران را از جهاتی چند برشمرد، از جمله اینکه: هنوز زمان زیادی از پایان جنگ نگذشته و علائم جنگ به راحتی قابل رؤیت است و همچنین اکثر نیروهای فعال در جنگ حیات دارند و خاطرات شفاهی جانبازان، ایثارگران، اسیران، خانواده شهدا، فرماندهان جبهه‌ها از جذابیت خاصی برخوردار است. او در قسمتی از سخنانش آزادگان، جانبازان، رزمندگان، خانواده شهدا، فرماندهان، جهادگران، طلاب و روحانیان، ایثارگران و امداد رسانیان هلال احمر و اسیران عراقی را منابع اصلی تاریخ شفاهی جنگ دانست و

نمونه سؤالات پیشنهادی مربوط به هر گروه را برشمرد.

بختیاری، ضمن توجه دادن به مصاحبه با آزادگان، اظهار داشت:

در زمان جنگ برای اسیران ایرانی در عراق، ۲۰ اردوگاه فعال بود که هر کدام خصوصیات ویژه‌ای داشت و می‌بایستی با دقت، اطلاعات کاملی از کلیه اردوگاهها و وضعیت کلی آنها به دست آورد. با به دست آوردن مجموعه اطلاعات مربوط به جنگ تحمیلی، می‌توان خزانه ارزشمندی برای برنامه‌ریزان دفاعی فراهم کرد و نیز می‌توان نسل آینده را از واقعیتهای جنگ تحمیلی آگاه کرد.

رحیم روحبخش کارشناس سابق مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با گفتاری تحت عنوان «تاریخ شفاهی تبعیدیهای رژیم پهلوی»، تبعید روحانیان به مناطق دورافتاده و شهرهای کوچک را عامل اصلی گسترش آموزه‌های انقلاب در مناطق محروم معرفی کرد و افزود اسناد مربوط به روحانیان مبارز در شهرهای بزرگ بشمار است؛ و این در حالی است که در مورد چهره‌های تبعید شده در مناطق محروم اسناد مکتوب بسیار ناچیز است. از این رو، تاریخ شفاهی به عنوان مکمل می‌تواند خلأ موجود را پر کند. روحبخش از چهار مقطع تاریخی به عنوان چهار موج نام برد که در هر مقطع چند تن از روحانیان مبارز دستگیر و به مناطق مختلف تبعید شدند. موج اول در پی اعتراض به تبعید امام خمینی (ره) در نیمه دوم سال ۱۳۴۳ شروع شد. موج دوم در پی اعتراض امام به جشن تاجگذاری (۱۳۴۶) و رحلت آیت‌الله حکیم (خرداد ۱۳۴۹) و صدور اعلامیه‌های مختلف از سوی مدرسان و فضلاء قم در مورد مرجعیت امام صورت گرفت. موج سوم تبعید پس از خلع سلاح و قتل یک پاسبان در قم (تیر ۱۳۵۲) از سوی گروهی موسوم به «گروه ابوذر» انجام گرفت. و بالاخره موج چهارم پس از واقعه دی ۱۳۵۶ و برگزاری یک رشته مراسم اربعین در شهرهای مختلف بود که سخنران در مورد ویژگیهای مقاطع تاریخی یاد شده، روحانیان تبعید شده و فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی و نحوه ارتباط آنان با نیروهای انقلاب در شهرهای دیگر و بالاخره کوشش به منظور جذب عناصر مستعد بومی و هدایت آنان به سمت آرمانهای خود به تفصیل توضیح داد.

سخنران بعدی غلامرضا آذری خاکستر کارشناس تاریخ شفاهی اداره اسناد آستان قدس رضوی، در گفتاری با عنوان «مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران»، ضمن برشمردن اهمیت تاریخ شفاهی، شیوه کار تاریخ شفاهی را در تدوین مجموعه‌های منتشر شده متفاوت دانست و شیوه پژوهش در طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد را معرفی کرد و افزود در این طرح تاکنون از تمام اقشار؛ اعم از افسران ارتش و نظامیان، رجال سیاسی، کارگران، اعضای حزب ایران، بازاریان، کارمندان استانداری



و...، به عنوان مصاحبه‌شونده استفاده شده است.

آخرین سخنران این میزگرد نورالدین حسین سنابادی عزیز کارشناس مصاحبه مرکز اسناد آستان قدس رضوی، در گفتاری تحت عنوان «تاریخ شفاهی، رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد»، با بیان اهمیت تاریخ شفاهی روحانیت، فشار و اختناق دولت رضاشاه را عامل اصلی ترویج فعالیت تاریخ شفاهی را به خصوص، در میان روحانیان دانست؛ چرا که هر چه اختناق و سانسور قلم بیشتر می‌شد و رسانه‌ها زیر تیغ سانسور می‌رفتند حجم فعالیت و مبارزه شفاهی بیشتر می‌شد. سنابادی از سه گروه روحانی نام برد. گروه نخست کسانی بودند که سیاست را عین دیانت و دیانت را عین سیاست می‌دانستند. گروه دوم به جدایی سیاست از دیانت اعتقاد داشتند که عده آنان به مراتب از گروه اول بیشتر بود. این گروه اظهارات سیاسی و عقاید ضد حکومتی خود را در مجلسی خالی از اغیار بیان می‌کردند و گروه سوم کسانی بودند که راه تقیه را پیش گرفته و به عقاید خود را فقط به خواص می‌گفتند. بخش دیگر اظهارات سخنران به بررسی شخصیت و شیوه عمل چند تن از علمای برجسته مشهد در دوران حکومت پهلوی اختصاص یافت.

ویژگی برجسته این میزگرد، حاکم شدن فضای پرسش و پاسخ بر آن بود. همین امر موجب شد تا، علاوه بر طرح موضوعاتی بدیع و ارائه توضیحاتی مفید از سوی پرسش‌کنندگان و اعضای هیئت رئیسه میزگرد درباره اظهارات سخنرانان، جلسه نیز فضای یکنواخت نداشته باشد.



میزگرد پایانی پس از نیم ساعت استراحت و پذیرایی به ریاست دکتر علی‌اصغر سعیدی و همراهی خانم مهندس فریبا فرزام مدیرکل اسناد و ارتباطات و دکتر ناهید بنی‌اقبال رئیس کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی در موضوع «تجرباتی در زمینه تاریخ شفاهی» با سخنرانی رحیم نیکبخت کارشناس مرکز اسناد انقلاب اسلامی آغاز شد. وی در سخنان خود گفت:

هر چند کاربرد اسناد برای جبران روایات ضد و نقیض و تعیین دقیق زمان و مکان وقوع حوادث اهمیت ویژه دارد اما در تاریخ شفاهی از آن جهت که به حوادث قبل و بعد از وقوع رویدادها و به تعبیری حوادث پشت صحنه و زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بیشتر توجه می‌شود، تلفیق این دو می‌تواند به تاریخنگاری صحیح کمک مؤثر نماید و از این نظر مرکز اسناد انقلاب اسلامی مبدع تلفیق اسناد با تاریخ شفاهی بوده است.

نیکبخت افزود:

بین فعالیت‌های تاریخ شفاهی داخل و خارج کشور تفاوت وجود دارد و این تفاوت در



هویت و ماهیت راویان است. راویان تاریخ شفاهی در خارج ایران با انقلاب اسلامی موضعی خصمانه دارند در حالی که راویان را در داخل ایران مردم انقلابی تشکیل می دهند.

دکتر سید مجید تفرشی سخنران بعدی درباره اهمیت و ضرورت خاطرات دیپلماتهای رده میانی بریتانیا در مطالعات تاریخ شفاهی ایران گفت:

اغلب کسانی که در فعالیت تاریخنگاری ایران فعالیت داشته اند به نوشته ها و خاطرات سفرا و مقامهای رده بالای سفارتخانه های خارجی، به ویژه بریتانیا، در ایران توجه خاصی داشته اند. مؤسسات طراح و مجری تاریخ شفاهی ایران در خارج از کشور نیز عمده مصاحبه های خود را با دیپلماتهای رده اول و سفرای خارجی قرار داده اند در حالی که تحقیقات مربوط به اسناد مربوط به ایران در آرشیو ملی بریتانیا و مطالعه خاطرات و مدارک شخصی دیپلماتهای بریتانیایی شاغل در ایران و مصاحبت شخصی با آنان نشان می دهد که، برخلاف تصور رایج، یادمانده ها، تحقیقات و فعالیتهای دیپلماتهای رده میانی خارجی در ایران در بسیاری از موارد مهم تر از رؤسای آنها بوده است.

سخنران افزود:

که طی سالهای اخیر با ده تن از دیپلماتهای رده میانی بریتانیا که قبلاً در ایران شاغل بوده اند مصاحبه داشته و، علاوه بر این، نوشته ها و گزارشهای حدود ۲۰ نفر دیگر را مورد بررسی و تحقیق قرار داده، ضمن بیان اهمیت استفاده از این گزارشها و خاطرات دیپلماتهای خارجی در نگارش تاریخ ایران و نکاتی که باید در گفت و گو با دیپلماتهای خارجی به آنها توجه خاص کرد، تجربه های خود را در این مصاحبه ها برشمرد و ابعاد مختلف اهمیت مصاحبه با دیپلماتهای رده میانی بریتانیایی در ایران را مورد نقد و بررسی قرار داد.

آخرین سخنران این میزگرد رضا مسعودی نژاد از دانشگاه UCL لندن در موضوع تاریخ شفاهی و مطالعات شهری به اهمیت و تبیین تاریخ شفاهی در مطالعات شهری در جهت تولید تصویری از تحول فضای زندگی اجتماعی در طی تحولات شهری دوران مدرن پرداخت. وی با مطالعه میدانی هفت شهر بیرجند، اردبیل، همدان، کاشان، یزد، دزفول و بوشهر پیرامون تحول زندگی اجتماعی و به ویژه مراسم محرم در فضاهای شهری در طی چهار دهه نخست قرن حاضر اظهار داشت:

یکی از مفاهیم مهم در مطالعات کیفی که بر پایه تاریخ شفاهی انجام می شوند «نمایاندن» موضوع مطالعه به وسیله «نمونه سازی» آن به جای بررسی به روی «نمونه آماری» پدیده است. به زبان دیگر در مطالعات کیفی، نمایاندن موضوع و ایجاد تلقی

کیفی، نه کمی از پدیده، حائز اهمیت است. چرا که مطالعات کمی و با دیدگاه مدرن از مهم‌ترین دلایل بدفهمی تحولات شهری بوده که یکی از نتایج آن ناکامی بسیاری از پروژه‌های مرمت و توسعه شهری است. به کارگیری روشهای کیفی در مطالعات میدانی به طور وسیعی در فهم صحیح و درک عمیق تحولات شهری دوران مدرن اهمیت دارد. از نظر سخنران تحلیل این مطالعات نشان می‌دهد که زندگی اجتماعی و تجارب افراد از زندگی شخصی در گذشته بیشتر مقیاس محلی داشته اما در دوره مدرن مقیاس کلان‌تری پیدا کرده؛ از این رو بایسته است برای هر دوره روش انتخاب افراد برای مصاحبه متفاوت باشد. از سوی دیگر، برای مطالعه یک دوره، که شامل چند دهه می‌باشد، باید طیف سنی متفاوتی مورد مصاحبه قرار گیرند.

به این ترتیب، سخنرانان هر کدام موفق شدند بخشی از تحقیقات خود را در یک یا چند موضوع مرتبط با تاریخ شفاهی در این گردهمایی بیان کنند. اغلب آنان به جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخنگاری معاصر ایران اشاراتی داشتند و چند تن از آنان، ضمن ارائه تعاریف گوناگون از تاریخ شفاهی، به فنون مصاحبه و روشهای جمع‌آوری اطلاعات و گفت‌وگو پرداختند.

داوری در مورد همه مطالب ارائه شده در گردهمایی مستلزم بحثی درازدامن است و نگارنده این سطور تنها به چند نکته اصلی، که در سخنرانی احتمالی نیز بدانها اشاره کرد، می‌پردازد:

نخست آنکه تاریخ ما از یکصد سال پیش تاکنون به نوعی «مغالطه کُنه و وجه» گرفتار شده است؛ به این معنی که اغلب پژوهشگران با زاویه دیدی خاص، مبتنی بر نگرشی محدود به رخدادهای تاریخی توجه کرده و سعی نموده‌اند با تعمیم آن وجه خاص بر سایر وجوه تأثیرگذار بر حوادث، کُنه حقیقت را کشف کنند. این نقیصه موجب شده نوعی نگرش یکسوگرایانه در آثار هر کدام از آنان مشاهده شود. گروهی دیگر از نویسندگان متأخر، به ویژه در دو دهه گذشته، سعی کرده‌اند واقعیت‌های جامعه ایران را بر اساس ثوریه‌ها و آراء ارائه شده از سوی متفکران اروپایی و آمریکایی تحلیل کنند. ایراد وارد به این رویکرد آن است که متأسفانه بسیاری از مفاهیم، بدون آنکه در جایگاه اصلی خود تعریف شوند، از همان بدو ورود به ایران، بنا بر پاره‌ای اغراض گروهی و سودجویانه دستخوش تحریف قرار گرفته‌اند. از این نظر، و با در نظر داشتن این نکته که منابع مکتوب، اعم از اسناد و گزارشهای رسمی و همچنین تحقیقات مستقلی که در موضوعات اجتماعی و تاریخی انجام گرفته، عموماً محدود و ناقص است، تاریخ شفاهی

به عنوان منبعی اصلی و تکمیل‌کننده در حوزه‌هایی که شواهد و مدارک مستند نادر است و یا با تمایلات و گرایشهای یک‌جانبه نوشته شده، به گسترش این دانش تاریخی می‌پردازد. ویژگی برجسته تاریخ شفاهی، در مقایسه با تاریخنگاری مبتنی بر اسناد و گزارشهای رسمی، ضبط و ترسیم ویژگیهای روانشناختی و ارائه تصویری کم‌وبیش زنده، بر اساس تجربیات مستقیم و غیرمستقیم افراد است. در این شیوه ثبت رویدادها به واسطهٔ درج آهنگ و زیر و بم صدا و ظرایف کلامی، به گونه‌ای است که عواطف و احساسات اشخاص بازنمایانده و تجربیات آنان با گزارشهای مکتوب تلفیق می‌شوند.

نکتهٔ دوم توجه دادن به این واقعیت مهم است که به تاریخ شفاهی باید به مثابه «فرایند» نگاه کرد. پرسشهایی از این قبیل که فعالیتهای انجام گرفته در این زمینه، به ویژه در دو دههٔ اخیر، چه روندی در ایران پشت سر گذاشته؟، اکنون در چه وضعی به سر می‌برد؟، چه آسیبهایی آن را تهدید می‌کند و راهکارهای مناسب برای برطرف کردن این آسیبها کدام‌اند؟ هنوز در کانون توجه مدیران و محققان جا نگرفته است. دلیل اصلی و علت واقعی چیزی نیست جز اینکه بپذیریم اغلب متولیان و دست‌اندرکاران به تاریخ شفاهی به مثابه یک پروژه نگاه می‌کنند و نه پروسه. البته این نحوه نگرش تنها به تاریخ شفاهی اختصاص ندارد بلکه توجه اغلب برنامه‌ریزان و مدیران مراکز و مؤسسات پژوهشی به جای آنکه به تعیین خط‌مشی و ترسیم جایگاه و نقش سازمانی خود در تحقیقات کشور معطوف باشد، به پروژه‌ها محدود گشته غافل از اینکه هر پروژه تنها زمانی معنی واقعی پیدا می‌کند که بر اهداف و برنامه‌های مناسب استوار باشد.

سومین نکته به نگرشهای حاکم بر مصاحبه‌ها مربوط می‌شود. اغلب مصاحبه‌های انجام گرفته در داخل و خارج کشور در سطح نخبگان و به تاریخ سیاسی ایران دورهٔ پهلوی معطوف بوده است. البته اهمیت مصاحبه با نخبگان، دولتمردان و برگزیدگان بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ اما فراموش نکنیم که اسناد مکتوب در آرشیوها عمدتاً از امر و نهی و فرمانهای شاهان و صدای پای جنگاوران و قهرمانان و آثار دبیران و منشیان و درباریان مملو است و این در حالی است که آشکار ساختن وقایع ناشناخته و جنبه‌های مفقود و مجهول رویدادها یکی از کارویژه‌های اصلی تاریخ شفاهی است. زندگی روزمرهٔ اقشار و طبقات غیرمسلط اما موجود در سلسله مراتب هرم اجتماعی مثل کارگران، اصناف و صاحبان حرف، سربازان، زنان و حتی گروههای مطرود و سرکوب شده و جریانهای حاشیهای هنوز از حیطه‌های ناشناخته تاریخ ایران است و تاریخ شفاهی می‌تواند اوضاع و احوال این گروهها و اقشار را به خوبی بیان کند. گفت‌وگوها و مصاحبه‌هایی که جنبهٔ خانوادگی، محلی و اجتماعی داشته باشند هنوز به گونه‌ای جدی

مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بر این اساس، به نظر می‌رسد ارائه هر تعریف محدودی از تاریخ شفاهی، به عنوان آنچه در مجموعه‌های آرشیوی دیده می‌شود، کاری بیهوده و خطاست.

مطلب چهارم در بحث تاریخ شفاهی توجه به مصاحبه و تفکیک «مصاحبه‌کنندگان حرفه‌ای» و «مصاحبه‌کنندگان مستقل» از یکدیگر است. در گردهمایی تاریخ شفاهی، هیچ‌یک از سخنرانان محترم اشاره‌ای به این موضوع نکرد و مقاله‌ای هم در این مورد به گردهمایی ارائه نشد در حالی که اهمیت آن، به ویژه، برای مراکز اسنادی به حدی است که می‌تواند موضوع یک مقاله یا سخنرانی باشد. به طور اختصار عرض می‌کنم، منظور از مصاحبه‌کننده مستقل کسی است که به مصاحبه به عنوان ابزار تکمیلی کار تحقیقی خود می‌نگرد و برای گسترش حوزه اطلاعات خود، درباره جزئیات یک موضوع پرسش می‌کند و نه چیز دیگر. این دسته از مصاحبه‌کنندگان در پروژه‌های خود ممکن است تا آستانه و سواس هم پیش بروند و مصاحبه‌شوندگان را بیشتر به امور جزئی‌تر وارد کنند و حتی ممکن است آنان را تحت فشار بیشتر قرار دهند؛ در حالی که مصاحبه‌کنندگان حرفه‌ای مصاحبه‌هایی را که کاربرد عمومی‌تر دارند انجام می‌دهند. مصاحبه‌کنندگان مستقل با این استدلال که مصاحبه‌کنندگان حرفه‌ای به پروژه‌های عمومی‌تر می‌پردازند و وارد موضوعات جزئی نمی‌شوند و به عبارتی به عمق مطالب و موضوعها وارد نمی‌شوند، بر این باورند که آفت تاریخ شفاهی کوتاهی در کسب جزئیات است. از اینها که بگذریم طرح این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که مصاحبه‌کنندگان مستقل عموماً مصاحبه‌های خود را در آرشیوهای عمومی نگهداری نمی‌کنند و اغلب مصاحبه‌های آنان در گنج‌ها، صندوقها، زیرزمین و یا احتمالاً زیرشیروانی، خاک می‌خورند. این نوع مصاحبه‌ها، چون بیشتر به نیازهای آنی مصاحبه‌کننده پاسخ می‌دهند، به ندرت مورد مراقبت و نگهداری قرار می‌گیرند. سؤال این است که چه تدابیری می‌بایست اندیشیده شود تا مصاحبه‌هایی که از سوی مصاحبه‌کنندگان مستقل انجام می‌گیرد در آرشیوهای عمومی و مؤسسات اسنادی نگهداری و پردازش شده و، در صورت نیاز، در اختیار دیگران قرار گیرند!

مطلب بعدی اینکه در مورد مجموعه فعالیتهای تاریخ شفاهی و نحوه اداره آن در ایران، هر چند برخلاف کشورهای اروپایی و آمریکا تحت نظر دانشگاهها نیستند و عملاً سازمانها و ادارات اسنادی به عنوان متولیان رسمی این فعالیتهای شناخته شده‌اند، باید این واقعیت را پذیرفت که همین اندازه کارهایی که انجام گرفته، نه تنها فاقد استانداردهای تحقیقاتی نیستند بلکه از اعتبار علمی مناسبی برخوردار بوده توانسته‌اند تحقیقات



دانشگاهی را در داخل و خارج کشور تحت تأثیر خود قرار دهند. با این همه، شایسته است شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی، با بررسی دقیق موضوع و تصویب ردیف بودجه برای دانشگاهها، زمینه‌های مناسب برقراری روابط گسترده میان استادان و دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور در رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ را با مراکز اسنادی فراهم کنند. دانشگاههای ایران، با داشتن بودجه کافی و اختصاص بخشی از آن به تحقیق و پژوهش نظری دربارهٔ مباحث تاریخ شفاهی، به تدریج این امکان را می‌یابند کرسیهای مورد نیاز در این حوزه را در دانشگاهها ایجاد کنند. تنها با ورود گسترده و روزافزون استادان و دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور به میدان فعالیتهای تاریخ شفاهی می‌توان امیدوار شد که «انجمن مرکزی تاریخ شفاهی ایران» به منظور همکاری متقابل کلیهٔ دست‌اندرکاران فعالیتهای پژوهشی تاریخ شفاهی و ارتقاء سطح علمی آنان به وجود آید.

نکتهٔ پایانی اینکه سازمانها و مراکز تحقیقاتی و مصاحبه‌کنندگان برای انجام کارهای تاریخ شفاهی می‌بایستی معیارهایی را به لحاظ مسئولیتهای حقوقی و اخلاقی و روش‌شناختی بپذیرند و همچنین به دنبال راههایی باشند که مصاحبه‌های خود را در دسترس محققان دیگر بگذارند تا جهت تأیید و یا کاربردهای آتی از آنها استفاده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصل اول در بیان کلیات و اهمیت علم طب
در این کتاب که در سال ۱۰۲۰ هجری قمری در شهر تبریز
مطبع شده است، به بیان کلیات و اهمیت علم طب
و روش تدریس آن در مدارس طب سنتی پرداخته شده است.
این کتاب یکی از مهم‌ترین و معتبرترین منابع
در زمینه تاریخ و فلسفه طب است که برای
دانشجویان و محققان این رشته بسیار مفید
و کاربردی خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی